

قبر آقامحمدخان قاجار کجاست؟

مرگ آقامحمدخان سرسلسله قاجاریه در شب ۲۱ ذیحجه سال ۱۲۱۱ ه. ق مطابق با روزشنبه ۲۸ خرداد سال ۱۱۷۶ ه. ش در قلعه شوشی اتفاق افتاد.



مرگ آقامحمدخان سرسلسله قاجاریه در شب ۲۱ ذیحجه سال ۱۲۱۱ ه. ق مطابق با روزشنبه ۲۸ خرداد سال ۱۱۷۶ ه. ش در قلعه شوشی اتفاق افتاد.

روزنامه ایران نوشت: جسد شاه مقتول ابتدا به طور امانت در شوشی دفن شد و چند ماه بعد با به سلطنت رسیدن فتحعلی شاه و تثبیت قدرت او به ایران منتقل شد و پس از مدت کوتاهی که در زاویه حضرت عبدالعظیم (ع) قرار داشت، با تشریفات فراوان برای خاکسپاری به نجف اشرف انتقال داده شد. اما امروزه نه تنها اثری از سنگ گور و مقبره‌اش نیست بلکه حتی تصویری نیز از آن دیده نشده است.

با این حال با مراجعه به بعضی روایات تاریخی می‌بینیم که برای بیش از یک قرن مقبره و متولی و بودجه تعمیرات و نگهداری داشته و این روال احتمالاً تا پایان دوره قاجار باقی بوده است. این رسم و روال قبل از قاجاریه هم در ایران معمول بود و برای بزرگان و شاهان بقعه و مقبره می‌ساختند و متولی و قاری و بودجه حکومتی تعیین می‌شد و امکانات و اموالی بر آن وقف می‌شد.

قدیمی‌ترین مطلبی که در مورد مقبره آقامحمدخان وجود دارد در کتاب تاریخ محمدی (احسن التواریخ) ذکر شده است. ساروی، مؤلف کتاب درباره انتقال جنازه او به تفصیل نوشته است و می‌گوید که از همان ابتدا موقوفات و امکاناتی به مقبره او اختصاص داده شده است: «خاقان شهید را به صحن مقدس و از آنجا به روضه اقدس برده شرفش دادند و به مسجد پشت سر مبارک گذاشته هفت ذرع به ضریح پاک فاصله، که نهایت قرب را داشت به خاک سپردند.

یک عدد شمعدان طلا و پیه سوز طلا و مجمره طلا وقف و در سر مضجعش گذارده شد و دوازده نفر قاری موظف و مقرر شد که مستمرأً به قرائت مواظبت نمایند.» شرح دیگری هم از خاکسپاری او در نجف از دید یک شاهد عینی وجود دارد. «احمدبن محمدعلی بهبهانی» از نوادگان «علامه وحید بهبهانی» که فقیهی معتبر در زمان خود بود، کتابی دارد به نام «مرآت الاحوال جهان نما» که سفرنامه‌ای شامل وقایع سفر او از نجف به هندوستان از راه ایران است.

او در این کتاب که به نوعی شرح حال خودش هم هست مطلبی دارد در مورد دفن جنازه آقامحمدخان قاجار در نجف که خود در آن هنگام در آن شهر حاضر و شاهد این واقعه بوده است: «...مجملاً در آن بلده طیبه بودم که جنازه پادشاه جم جاه جنت جایگاه آقامحمدخان قاجار را که در قلعه شیشه - بعد از تسخیر آن به غدر چند نفر از نمک به حرامان از صنف پیشخدمت و فراشان در ماه ذی الحجه الحرام از سنه یکهزار و دوصد و یازده هجری- کشته شده بود حسب الحکم پادشاه جم جاه گیتی پناه حضرت ظل‌الله که برادرزاده و وارث تخت و کلاه اوست... به زمان قلیلی به آن بلده شریفه نقل کردند و در رواق پشت حرم مطهر در حجره‌ای که متصل به باب الرحمه است دفن کردند و یک قطعه سنگ مرمر مصفای منقش بر آن نصب کردند.»

منابع دیگر قاجاری عمدتاً روایاتی مشابه درباره مدفن آقامحمدخان دارند: «...پس از ورود به صحن اقدس به فاصله هفت ذرع ضریح آن حضرت از جانب قفای سر مبارک در آن خاک پاک سپردند... قبرپوش زر تار و فروش زیبا و دیبا و شمعدان و پیه سوز نقره و مجمره سیم وقف مضجعش کردند و دوازده قاری اجیر نمودند که هر سال به تلاوت قرآن مجید بر قبر آن سلطان شهید مواظب باشند.»

مشهور است که سنگ مرمر بزرگ و با ارزشی در سال ۱۲۱۶ ه. ق ساخته شد و در سفر مهدعلیای اول مادر فتحعلی شاه آن را به نجف فرستاده و بر گور شاه قاجار نصب کرده‌اند. عضدالملک که در سال ۱۲۸۳ ه. ق در هنگام سفر به عتبات این مقبره را دیده است چنین می‌نویسد: «مرقد نواب غفران مآب شاه شهید آقا محمد خان نورالله مضجعه در رواق پشت سر مبارک است (و نواب صاحب قران میرزا آن جا را آراسته دارد). امیر جنت سریر سلیمان خان قاجار و بعضی از خوانین جلیل الشان قاجار نیز در همان مرقد بدین فیض مستغرقند.»

او همچنین از یکی از پسران فتحعلی شاه به نام صاحبقران میرزا نام می‌برد که سال‌ها مجاور و متولی آرامگاه آقامحمدخان بوده است: «نواب صاحب قران میرزا با حالت خوشی در دعاگویی دوام دولت جاویدآیت قاهره رفتار می‌کند، عمامه کوچکی بر سر و قباي قدک عربی و عبای سپاه نازکی در بر، همه روز و همه شب حضور داشت.

امر چراغ و سایر مهمان مضجع شاه شهید آقا محمدخان انارالله برهانه را مراقبت دارد. هیچ خیالی و همی جز آن نداشت که زیوری تازه و نظمی نو در آن مرقد بدهد. جمیع ایام و لیالی، قاری‌ها نشانده و قندیل‌ها افروخته و گلدان‌ها نهاده است. گویا به این خدمت عشق دارد. دقیقه فارغ نیست و پیوسته در تنقیح اسباب چراغ و تزئین اثاث تجمل مشغول است. اول مغرب که در حرم مبارک نماز و زیارت می‌خواندم، بعد از فراغت، به سر مقبره شاه شهید می‌رفتم و از آنجا به منزل می‌آمدم، صاحب قران میرزا هم بعد با لاله می‌آمد. شام می‌خورد و لاله را برمی داشت و می‌رفت.»

همچنین عضدالملک در ضمن عریضه‌ای که شرح هزینه‌ها را ارائه می‌کند می‌نویسد: «قاری‌های مقبره نواب غفران مآب شاه شهید نورالله مضجعه پنج تومان...» و از این بر می‌آید که حدود هفتاد سال بعد از قتل آقامحمدخان هنوز وضع و ترتیبات اولیه مقبره او منظم و قاری‌ها باقی و چراغ و قندیل و گلدان و اسباب مقبره تکمیل بوده است. ناصرالدین شاه قاجار نیز در خاطرات سفر سال 1287 ه.ق، خود به عتبات از اوضاع مقبره آقامحمدخان یاد می‌کند و اشاره‌ای هم به سنگ مرمر ممتاز مقبره دارد.

همچنان که عضدالملک هم نوشته از این خاطرات روشن می‌شود که بعدها تنی چند از بزرگان قاجار هم در همان محل دفن شده اند: «ساعت دو به غروب مانده وارد شدیم بالای سر حضرت، نماز ظهر و عصر و نماز زیارت خوانده شد الحمدلله تعالی به این توفیق رسیدیم، شکر خدا را واقعاً حظی کردیم، که کمتر همچو چیزی نصیب می‌شود.

بعد رفتن سر قبر آقا محمد شاه مرحوم، صاحب قران میرزا که متولی سر قبر است عمامه سفید کوچکی به سر بسته بود همان صاحب قران میرزا است که طهران بود هیچ تفاوتی نکرده است، بجز عمامه. قبر آقا محمد شاه مرمر بزرگی منبت در رویش، پهلویش قبر مادر فتحعلی شاه مرحوم قبر والده ما هم اینجا است، قبر سلیمان خان قاجار جد ما هم اینجا است. قبر قاسم خان پدر والده ما هم اینجا است. اما در اتاق کوچکی است، شمعدان و... دارد.

از آنجا رفته جلو در ضریح رواق را تاجری ترک حاجی حمزه تبریزی آینه کاری بسیار خوبی کرده است خیلی خوشم آمد هنوز ناتمام است خیلی همت و کار کرده است آنجا ایستادم زیاد تعریف کردم، خود حاجی حمزه هم حاضر بود آوردند، خیلی التفات شد به او. نشان التفات شد، با خلعت، مردی است کوتاه عمامه دارد ریش داشت. ترغیب شد که باز آینه‌هایی که ناتمام است بسازد.»

لنگر او در این سفر دوبار دیگر هم به زیارت مقبره آقامحمدخان رفته است: «شمشیر جهانگشا را هم گفتم آنجا بگذارند ان شاءالله تبرک بشود باز رفتن سر قبر آقا محمد خان، قدری نشستیم قبر فرمانفرمای فارس هم در رواق است، قبر محمد حسن خان برادر شوهر فخرالدوله هم گفتند اینجا است، در رواق است»

«رفتیم زیارت، نماز کردم. بعد از آداب زیارت رفتن سر قبر آقا محمد خان، یک جعبه جواهری که از خزانه حضرت درآمده بود، پاشای بغداد، وزیر خارجه، مشیرالدوله، آمدند حضور آورده، باز کردند. تماشا کردم.»

روایت جدیدتری که درباره مقبره آقامحمدخان دیده شده مربوط به سال 1302 ه.ش و دو سال قبل از انقراض قاجاریه است. می‌بینیم که تا آن تاریخ هم مقبره دایر و امورات آن منظم بوده است. البته قابل تصور است که اندکی بعد با ظهور پهلوی مواجب متولی و بودجه مقبره حذف شده و کم کم آن مکان متروک و مهجور مانده باشد. «پس از زیارت طواف نماز سر قبر آقا محمد خان رفتن.

سنگ خوبی داشت. خادم و چراغ داشت که دولت می‌دهد. قبر فتحعلی خان و حسینقلی خان و مادر فتحعلی خان و جمعی دیگر در این مقبره بود که همه سنگ مزار داشتند، بعضی به دیوار، بعضی در زمین مقبره. پس از آن منزل آمدیم و غروب مجدداً مشرف شدیم.»

آخرین اشاره‌ای که به مقبره می‌بینیم مطلبی از دکتر باستانی پاریزی است که گویا در دهه چهل از آن مکان بازدید کرده است: «پادشاهان بزرگ سر به آستان نجف سوده‌اند، قبر آقا محمد خان کنار حرم است و سنگ مرمری بسیار عالی بر فراز آن نهاده شده است.»

سنگ اتاقک مقبره بعدها در تغییر و توسعه حرم برچیده شده و سنگ مرمر قبر هم سرنوشتش معلوم نیست که آیا نابود شده یا

در موزه‌های عراق محفوظ مانده است. متن سنگ گور و وضع حجاری آن متأسفانه در هیچ منبعی مورد اشاره قرار نگرفته و اشعار و ابیات و آیات حک شده بر آن ثبت و ضبط نشده است.

مجموعاً مقابر سلاطین ایران فارغ از خوب و بد و ستمگر و دادگر بودنشان جزئی از تاریخ و نشانه‌هایی از فرهنگ ما هستند و لازم است مورد توجه و تحقیق قرار بگیرند. البته سنگ‌های ممتاز مقابر شاهان و بزرگان از جنبه‌های هنری حائز اهمیت هستند و وضع نگهداری مقابر و بقعه‌ها از زاویه فرهنگی و اجتماعی و مذهبی قابل توجه است. به هر ترتیب می‌بینیم که مقبره آقامحمدخان قاجار شاید حدود صد و پنجاه سال در مجاورت ضریح مطهر حضرت امیر(ع) برقرار و دایر بوده و قطعاً ایرانیان فراوانی که به زیارت عتبات می‌رفتند مقبره او را نیز می‌دیدند.